

مقدمات سبکی شعر استاد لائق شیرعلی

مصباح الدین نذری قل محمودزاد *

چکیده

نگارنده در این مختصر پس از تبیین مفهوم «سبک شخصی» و مختصات سبکی شعر یک صدساله پیش تاجیک، به بررسی مختصات سبک‌شناختی شعر استاد لائق شیرعلی، تواناترین شاعر نیمه‌ی دوم سده‌ی بیست تاجیک، می‌پردازد. با توجه به اشعار شاعر معلوم می‌شود که استاد لائق شیرعلی از جمله‌ی شاعرانی محسوب می‌شود که دارای سبک شخصی یا فردی می‌باشند. اما مختصات سبک فردی استاد لائق شیرعلی به چه قرار است؟ در بخش اصلی این مقاله به این پرسش پاسخ ارائه شده‌است.

طبق معمول، مختصات سبکی را از سه نگاه: زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی

* دکترای ادبیات، استاد دانشگاه ملی تاجیکستان.

قرار می‌دهند، اما ما در بررسی خویش به شاخصه‌های سبکی شعر استاد لائق شیرعلی اساساً از نگاه زبانی و ادبی نزدیک می‌شویم، چون به نظر ما دو عامل مذکور در تعیین سبک شخصی شاعر بیش از دیگر عوامل مهمتر می‌باشند. بحث پیرامون مختصات فکری به طور مختصر صورت می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: لائق شیرعلی، سبک شخصی، مختصات زبانی، ادبی و فکری.

مقدمه

در معرفت هنری شعر فارسی تاجیکی استفاده از اصول سبک‌شناسی، با توجه به فهمش خاص آن، یعنی به مثابه علمی جداگانه در شمار علوم ادبی، فقط شروع از ابتدای سده‌ی گذشته و یا اندکی پیشتر از آن مرسوم گردیده است. لذا، کاربرد مفاهیم آن - که در اکثر موارد مأخوذ از شیوه‌های متعدد شعرشناسی سنتی، اعم از نقد ذوقی و هنری و اندیشه‌های نظری مکتب ساختارگرایان اروپایی می‌باشد - در سبک‌شناسی شعر فارسی تاجیکی دقت مخصوص را می‌خواهد. همین طور، اصطلاح سبک به معنی روش مشخص بیان مطلب، طبق نظریات موجود "در سه مفهوم به کار می‌رود: سبک شخصی، سبک دوره، سبک ادبی" ۱.

منظور ما در بررسی حاضر بحث در مختصات سبک‌شناختی شعر استاد لائق شیرعلی - تواناترین شاعر نیمه دوم سده‌ی بیست تاجیک - با توجه به مفهوم سبک شخصی است.

پرسش اول این است که سبک شخصی چه گونه سبکی است و آیا استاد لائق

شیرعلی صاحب چنین سبکی بوده است، یا خیر؟ در پاسخ به بخش اول پرسش باید گفت که "سبک شخصی - سبک خاص شاعر و نویسنده است و آثار او را در طول قرون از هر کس دیگری به نحو نمایانی متمایز نگاه می‌دارد"۲.

ولی منظور، قسم دوم پرسش فوق است و پاسخ ما در این موقع به طور مثبت ارائه می‌شود: ما بر آنیم که استاد لائق شیرعلی از جمله شاعرانی محسوب می‌شود که دارای سبک شخصی یا خود فردی می‌باشند. اما مختصات سبک شخصی و یا فردی استاد لائق شیرعلی به چه قرار است؟

قبل از ورود به اصل مقصد، ضرور دانسته شد تا پیرامون مختصات سبکی شعر یک صدساله پیش تاجیک بحث کوتاهی داشته باشیم، چون شعر استاد لائق شیرعلی پیش از همه در زمینه‌ی شعر همان روزگار ظهور کرده است. چنانچه شعر دوره مورد نظر، از لحاظ زبانی، فکری و ادبی بررسی بشود، نتیجه‌های ذیل به دست می‌آیند. ضمناً، آن مشخصات سبکی‌ای که ذیلاً بر می‌شماریم، به علت حکم‌رانی مفکوره [اندیشه، عقیده] حاکم وقت به وجود آمده‌اند، یعنی در طول ظهور و موجودیت ادبیات شورایی تاجیک که شاخصه‌ی اصلی‌اش "ادبیات شکلاً ملی و مضموناً سوسیالیستی" بود، سیاست شورایی بر ادبیات تسلط کامل داشت.

از نگاه زبان

شاعران دوران شورای تاجیک از زبان به اصطلاح «عامه فهم» استفاده به عمل آورده و در نتیجه از زبان شعرکلاسیک خیلی دور رفته‌اند. به جز چند واژه‌ی

ویژه‌ی شعری امثال کز، کین، اندر و ... که به خاطر رعایه‌ی وزن شعر ناچار استفاده می‌شدند، باقی از کل مفاهیم و اصطلاحات شعری مرسوم در ادبیات قبل از سده‌ی بیست، دوری جسته می‌شد. می‌توان گفت، در شعر شاعران آن روزگار، بدل لغات خاص شعر کلاسیک واژه‌های روسی و لغاتی که از طریق این زبان وارد زبان فارسی تاجیکی گردیده‌اند، بیشتر مورد استفاده و استقبال قرار می‌گرفت.

از نگاه فکری

شاعران شعر را در خدمت مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می‌دهند. حتی بزرگ‌ترین شاعران دوره‌ی مورد نظر که اغلب پیام اشعار ایشان را تبلیغ مفکوره‌ی حاکم تشکیل می‌دهد، اگرچه از لحاظ تاریخ اجتماعی زمان خدمات بزرگی را انجام داده‌اند، از نظر فکری و ادبی در ادبیات ابتکاری خاطرمان به یادگار نمانده‌اند. شعر یک نوع به شعار سیاسی مبدل گردیده و پیام آن را اساساً تبلیغ فرموده‌های صنف حاکم فرا گرفته بود. برای مثال، چنانچه شعرهای در وصف لنین، بنیانگذار دولت شوروی و حزب کمونیست و حزب نوشته شده را در بیاضی جمع بیاوریم، در قیاس به سایر اشعار در موضوعات دیگر ایجاد گردیده، به مراتب زیادتر می‌شوند.

از نگاه ادبی

ویژگی نخست از دوری جستن شاعران از قوالب معلوم و مرسوم شعر سنتی عبارت است. قصیده، غزل، رباعی، دوبیتی و دیگر انواع سنتی شعر کلاسیک

فارسی تاجیکی قالب‌های کهنه اعلام شده بودند و شاعران به انواع مزبور شعر توجه کمتری داشتند.

صنعت‌گری در شعر به مراتب کاهش یافته، تنها از واسطه‌ی بیانی تشبیه و استعاره و گاهی مجاز به طور چشم‌رس استفاده شده است، صناعات ادبی دیگر به ندرت به چشم می‌خورند. به این معنی که امکان نمی‌شود از وجود آن‌ها وارد بحث سبک‌شناسی فردی بشویم.

مختصات سبکی مذبور تا ابتدای سال‌های هفتادم عصر بیست میلادی حکم عمومی را دارند، اما شروع از دهه‌ی مذکور به طفیل به میدان ادبیات قدم نهادن یک عده شاعران جوان و تازه‌نفس که پدیده‌های نوجویی در اشعار ایشان به مشاهده می‌رسد، در سازمان ظاهری و باطنی شعر آهسته آهسته دگرگونی‌هایی به میان می‌آیند و آن همه تغییرات و تحولات در سیمای یکی از بزرگ‌ترین شاعران سده‌ی بیست میلادی تاجیک، استاد لائق شیرعلی و شعر او ظهور می‌کند و به گونه‌ای مخصوص جمع بست می‌گردد.

مختصات سبکی

برگردیم به اصل مقصد. طبق معمول مختصات سبکی را از سه نگاه: زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی قرار می‌دهند، اما ما در بررسی خویش به شاخصه‌های سبکی شعر استاد لائق شیرعلی اساساً از نگاه زبانی و ادبی نزدیک می‌شویم، چون به نظر ما دو عامل مذکور در تعیین سبک شخصی شاعر بیش از دیگر عوامل

مهمتر می‌باشند. بحث پیرامون مختصات فکری به طور مختصر صورت می‌گیرد و بررسی مفصل آن از جمله جست و جوی‌های آتی نگارنده خواهد بود.

۱. مختصات زبان

از مختصات زبانی قبل از همه مهم آن است که زبان شعر شاعر به ادبیات دوره آیا تأثیری داشته است، یا خیر؟
مسلم است که تأثیر ادبیات و زبان بر یکدیگر تأثیری متقابل است. وجوهات مختلف تأثیر این دو را می‌توان با استفاده از روش‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد، ولی از دیدگاه سبک‌شناسی شعر، تأثیر اوّلی بر ثانی از اهمیتی بیشتر برخوردار می‌باشد. چنانچه شعر استاد لائق شیرعلی را با توجه به همین مسئله مورد مطالعه سبک‌شناختی قرار بدهیم چنین تأثیرپذیری را در سه مورد ذیل به مشاهده گرفتن ممکن است که هر کدام آن‌ها به طور جداگانه بازگو می‌گردد:

۲- اصطلاحات و لغات عامیانه

استاد لائق شیرعلی در لابه‌لای اشعار خود بسیاری از لغات و اصطلاحات عامیانه را مورد کاربرد قرار داده است که اکثر آن‌ها در اشعار شاعران هم‌زمان او به مشاهده نمی‌رسند و مخصوص اشعار خود شاعرند. بنا به مشاهده‌ی اینجانب لغات و اصطلاحات عامیانه‌ای امثال چُکری، چخماق سنگ، نَرت، شَخ، مَلافه، و سه، گُرگ آشتی، غِرام، چُمچه، وات، غَم کَهک، شِکست و مِکست، گُم، دانگ،

قوشه، لاژر، ویشیم، شاخ جوروب، چای گشتک، چاک، چنگالی، درَبچه، چیشیل، موری، دوروند، گج، آخر، نهالی، خفال، راشیم، تُنک مهر، کَم بَعَل، وسه و بالار، صندلی، چاماق، ریو و ریب، نراب، غده، کیس و که در شعرهای استاد لائق شیرعلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، منشأ از زندگی، روزگار و محیط مردم کهستان دارند، به ویژه مردم دیار شاعر. یعنی، سرچشمه‌ی دید شاعرانه، علت اساسی کاربست چنین واژه‌ها گردیده است. به عبارت دیگر، بار معنا و مبدأ تصویر را چنین واژه‌ها بر دوش دارند.

چند مثال می‌زنیم:

ز شیخ آموختی تمکین، ثبات از کهسارانش ۳.

و:

آن قدر آب شدم، تا تو شدی دریایی
که عاقبت غرق شدم در گم دریایی تو ۴.

و یا:

عکس فریاد رود می‌آمد
از تل و پشته و زهر گوشه

در دل رود، بزم انجم بود

در کنارش ستاره‌ی قوشه ۵.

چنانکه به مشاهده می‌رسد، در دو مثال اول و نمونه‌های دیگر - که به علت پرهیز از طول گفتار از ذکرشان خود داری شد و خواننده خوش ذهن می‌تواند به سهولت هر کدام آن‌ها را در اشعار شاعر مطالعه بکند - واژه‌های مشخص گردیده، اساساً به مقصد خلق معنایی شاعرانه استفاده شده‌اند.

در نمونه‌ی آخر واژه‌ی "فوشه" به خاطر هم‌قافیه بودنش با "گوشه" کاربست گردیده است، یعنی شاعر را به استفاده چنین واژه طلب قافیه شعر وادار کرده است.

حالت دیگری هم به مشاهده می‌رسد که شاعر به واژه‌ی عامیانه تابش معنایی جدید بخشیده است:

گرفته اند حرص‌ها به سوی آخوری کمین - یکی سوی مغازه‌ای، دیگر به سوی
آلومین [آلومینیوم] ... ۶.

منظور واژه‌ی "آخور" است که آن جای مخصوصی است برای گاو، جو و علف انداختن پیش چارپایان، اما در این بیت واژه‌ی مذکور تابش معنایی نو کسب کرده و به معنی مکان منبع درآمد، آمده است.

اگرچه بیشتر لغات عامیانه را شاعر از شیوه‌ی دیار خویش (شهرستان پنجکنت) اخذ کرده است، از اشارات جای داشته در پاورقی‌های مجموعه‌های جداگانه معلوم می‌شود که شاعر به واژه‌های شاعرانه کل مناطق تاجیکستان - که کم هم نیستند - توجه داشته است. برای مثال، بعضاً از کدام گویش آمدن لغات

عامیانه ذکر گردیده‌اند. چنانچه، در مورد واژه‌های "عَمَّكَهَك" و "دورَوَند" که در ابیات ذیل کاربست شده‌اند، به چنین شرح‌های پاورقی دچار شدن ممکن است:

آدم، اگر بجسته اید، آدمتان آدمک است،

غم شما کجا غمی، غم شما غمکَهک است. ۷.

عَمَّكَهَك: غم اندک، غمی که ارزش غم گفتن را ندارد؛ از شیوهی ختلان.

و:

شاد گشتم چو جگر بند سعادت خواهَت،

که دورَوَند تو بر روی جهان باز شود. ۸.

دورَوَند: به معنی در؛ یغناپی.

باری، کل لغات عامیانه‌های که در اشعار استاد لائق کاربست شده از لحاظ فصاحت کلام نیز شاعرانه می‌باشند.

۳- واژه‌های شاعرانه

منظور در این بخش مبحث آن واژه‌های نابی می‌باشند که در شعر کلاسیک فارسی تاجیکی دایره استفاده‌اشان بی محدودیت بود، ولی در شعر سده‌ی بیست تاجیک از استفاده باز مانده بودند و یا خیلی به ندرت استفاده می‌شدند. استاد لائق، توسط اشعارش به چنین واژه‌ها عمر دوباره بخشیده است. واژه‌های، امثال رهن (باز هم رهن غم جان تو باد - جان من، این جان بی آرام من. ۹)، حسیب [امالهی

حساب] (با دلم کی خود حسابی کرده‌ام؟ - بی حسیم، بی حسیم، بی حسیب. ۱۰)، پژواک (جانب کوه صدا گر زنی، پژواک آید، - کسی از سنگ دلی عکس صدا نشنیدست. ۱۱)، ژورک (نکو نگر که ژورکی چه سان به آسمان پزید؟ - عقاب اسیر دام شد، بهانه چیست؟ نام خلق. ۱۲)، وارونه (آسمان کاسه‌ایست وارونه، - زیر آن عمر بی نوا گذرد. ۱۳)، داو (نوبت داو روبهان بگذشت، - نوبت شیرمرد و شیرزن است. ۱۴)، هروانه (خلق هورمزپرست، بنگر دزد پرست، - شمع و پروانه پرست، شده هروانه پرست. ۱۵) و غیره در شمار چنین واژه‌ها هستند.

۴- واژه‌های جدید

یکی از واسطه‌های اساسی غنی گردیدن ترکیب لغوی، خلق نوواژه‌ها از جانب شاعران توانا می‌باشد. استاد لائق شیرعلی نیز از این لحاظ به کوله‌بار واژگان زبان شعر نوواژه‌هایی داخل کرده است که همه شاعرانه‌اند:

روزکوران:

از آدم شبکور ندارند گِله،

صدها گِله از روزکوران دارند. ۱۶.

همسایه دلی:

همسایه دلی کجا و همسایه دری

همسایه بودیم و لیک بی سایه بودیم. ۱۷.

آبسازش:

بهر آن که در سفر از آبگردش خسته شد،

یاد آب کشور خود آبسازش بوده است. ۱۸.

روزاخون:

شباخون، می زند شبها و روزاخون، تمام روز،

به جان من در این دنیا هجوم عشق دلبر به. ۱۹.

بزنگاه:

دیروز وطن گاه بود، امروز بزنگاه است. ۲۰.

یادمان:

یک روز من ز بزم شما دور می شوم،

در یادمان و خوابها منظور می شوم. ۲۱.

تاقی وار:

نخست از تاقی وار مرده‌ی با دولت و بانگ،

سپس، از صندوق بار عروس بخت بی داری. ۲۲.

دیرانتظار:

جنگ دیوانه‌وار ما بگذشت،

صلح دیر انتظار ما آمد. ۲۳

شاعر بعضی از چنین نوواژگان ساخته‌ی خویش را شرح هم داده است، به مثل "آبسازش" که به طور ذیل آمده است: "این کلمه بر وزن آب‌کردش ساخته‌ی من است، به معنای مطابقت به اقلیم غیر (اَکْلِمَزْتَسِیَه). مولف "۲۴.

اندیشه‌های مزبور خلاصه بشوند، نتیجه ذیل به دست می‌آید:

شعر استاد لائق شیرعلی اساساً بر مبنای زبان ادبی حوزه‌ی تاجیکستانی زبان فارسی بنیاد شده و شاعر در نوبت خود، ترکیب لغوی زبان شعر قرن بیست تاجیک را از حساب لغات و اصطلاحات عامیانه، کاربرد واژه‌های شاعرانه‌ی خاص شعر ناب کلاسیک و نوواژه‌های خلق‌کرده‌ی خویش غنی گردانیده است.

در غنای کلام استاد لائق جای تردید نمی‌ماند: وی، نخست، الفاظی را که در شعر معاصر تاجیکی معلوم نبوده‌اند به شعر وارد کرد، ثانی، به الفاظی که از شعریتشان کاسته بود، جان دوباره به آن‌ها بخشید، نهایت، شناخت واژه‌های سره‌ی شاعرانه را از گویش‌های مردمی و کاربست آن‌ها را در شعر به رسمیت درآورد.

نتیجه‌ی مهم‌تر از همه در این بخش آن است که هنگام مطالعه‌ی سبک‌شناختی شعر استاد لائق، می‌توان از سه اصل مذکور سود جست، چون عوامل مزبور از

جمله بارزترین شاخصه‌های سبکی شعر شاعر محسوب می‌شوند.

دیگر مسئله‌ی مهم در مختصات زبانی شعر استاد لائق - که نمی‌توان آن را نادیده گرفت - استفاده از ضرب المثل و مقال‌ها می‌باشد. شاعر قدرت توانایی داشته است که با مهارت خاصی، زبان شعرهای خود را با توجه به سخنان حکمت‌آموز که حاصل تجربه‌ی حیات بشری‌اند، غنی گرداند. در این زمینه، بیان شاعر سلامت دیگری پیدا می‌کند. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

قدر نعمت بعد از زوال اوست -

چه خوش گویند، قدر نعمت، از بعد از زوال اوست

اگر من هم بمیرم، پیش یاران یاد خواهی کرد... ۲۵

دامن را با چارمغز پوچ پُر کردن -

مغز تو گر خشک باشد، خشک سالی آوری، پور کنی، از چارمغز پوچ، صد

دامن، چه سود؟ ۲۶

در نمونه‌های فوق مضامین مورد توجه با اصل مضمون ارائه شده اند، اما در

نمونه‌های زیرین تنها به اصل مقال‌ها اشاره ملیحی شده است و بس:

هم تو، ای آسیای چنبرشاخ،

خورده شیر ترا رسیدم من...

اشاره به مقال "گاو آسیای در خانه" ۲۷.

و:

چه شانه‌ها، چه فانه‌ها، چه دام‌ها، چه دانه‌ها
 که پُر شد از جنازه‌ها همین نه یک سغانه‌ها...
 بهره‌گیری از مقال "از سر شانه، از ته فانه" ۲۸.

۲. مختصات شعر

دائرة بحث، پیرامون مختصات ادبی، در قیاس با دیگر جنبه‌های هنری شعر به مراتب فراخ‌تر است، ولی ما در این بخش به اهم مختصاتی توقف خواهیم کرد که آن‌ها می‌توانند به مثابه‌ی عناصر سبک‌ساز شناخته بشوند.

۱- **صور خیال.** صورت‌های خیال در ردیف احساس و عاطفه فردی شاعر از ارکان اصلی شعر محسوب گردیده، گذشته از احساس و عاطفه که حالات موقتی و زودگذرنند، باز به چند عامل دیگر بستگی دارد، به مثل اندیشه عمیق و خاص، طرز بینش و معرفت بدیعی اشیا، مشاهدات همیشگی محیط، چشم‌دیدها، حوادث زندگی شاعر و جهانی که او را احاطه کرده است و مانند این‌ها. چنین است که شاعران صاحب سبک این همه عناصر را به هم آمیزش می‌دهند و کلام منخیل و زیبا می‌آفرینند.

چنانچه، با توجه به همین قضیه، شعر استاد لائق شیرعلی را مورد مطالعه‌ی سبک‌شناختی قرار بدهیم، به کلمات فصیح و بلیغ، عبارات، ترکیبات و جملات

خوش آهنگ در قالب و طرح معین به هم آمده و در مجموع، دارای وحدت و تمامیت و خیال‌برانگیزی خاصی رو به رو می‌شویم که از جمله شاخصه‌های سبکی شعر شاعر می‌باشند.

به مشاهده ما رایج‌ترین واژه‌ها و عبارتهای شاعرانه‌ای که در لابه‌لای اشعار استاد لائق شیرعلی به کثرت مورد کاربرد قرار گرفته‌اند و حاصل نگاه و دید شاعرانه گوینده‌اند، من حیث نمونه این‌ها می‌باشند:

پی‌ره زال شب، طفل آرزو، دختران گل‌نظر، مادر شب، عروس روز نو، فریب سراب‌ها، خانه‌ی دل، در راز، ره‌دل، لذت‌های درد، سوهان حیات، گلشن تیره‌ی مه، ملک سخن، ورق سنگ، کاکل شرشره‌ها، سوره‌های عاشقی، نوعروص شعر، عروس آرزو، ریش باران، آبستن شادی، آبستن غم‌ها، آبستن امروز، آبستن فردا، دنیای غرامی، دل بازی، آب آتش، شعر نگاه، نسیم سبحانی، دولت سرمد، شعر دل، دنیای دل، دریای دل، موج خیز درد، هجای سبز، سخن دوشیزه، شعرهای آفتابی، شعر خدایانه، دیدار خدایانه، شعر درد، بیت ابرو، عطر بهارها، شور شعر، نگاه‌های غزل وار، بیت بوسه، کاغذ روی، شور دریای، بیت الشرف، بیت الحزن، مغز عقیم، عقل استروتن، سوی بی‌سوی، نشان سرمدی، سنگ وقت، انان [لگام] سرواده [سرچشمه]، طلوعه‌ی سحر، طلوعه‌ی زمانه، بویه‌های آسمانی...

ترکیبات و جملات ذیل نیز از جمله‌ی مختصات سبکی شعر شاعرند: یک

نفس زندگی طوفانی، ماه را تگمه [دگمه]ی پیراهن ساختن، گل تقدیر انسان، تور برف سیم‌گون، جان شکاری نگه‌های خمار، روی شستن به نور آبشار آفتاب، مشت بر در راز زدن، سفره‌ی زرین آفتاب، با نگاه سر را سیله سله کردن، دزدیدن از تقدیر، باریدن عشق از کوچه و برزن، عاشق شدن به جمالک‌های موی آبشار، قبله‌ی ایمان دل، بیت ابریشمی نرم...

برای آشنایی با سبک بیان شاعر و دید شاعرانه او، ذیلاً چند نمونه آورده می‌شود که شامل هر دو بخش از مثال‌های مذکورند:

هر سحر از نو تولد می‌شوم از مادر شب، روی می‌شویم به نور آبشار آفتاب. ۲۹

و:

تو را روزی من از تقدیر می‌دزدم، تو را روزی من از تو می‌ربایم. ۳۰

و یا:

..گرچه چشمان تو با شعر نگاه، از تمام شاعران شاعر تر است. ۳۱

یا خود:

خاک وطن چو سفره‌ی زرین آفتاب بر پیکر نحیف ما جان دیگر دماند. ۳۲

۲- چنانچه به نمونه‌ها با توجهی بیشتر بنگریم، در خلال آن همه تشبیهات و استعارات، اوصاف جداگانه و گاهی به هم مخلوط نمودار می‌شوند. با وجود این، به چند صنعتی از صناعات بدیعی در این جایگاه اشاره می‌شود که در لابه لای

اشعار شاعر مهم به نظر می‌رسند.

اگرچه در بررسی سبک‌شناختی شعر به کیفیت کاربست تشبیه و استعاره توجه می‌شود، ما با توجه به اشعار استاد لائق شیرعلی، صناعات بدیعی تشبیه، تجنیس، تلمیح و گاهی موارد متناقض‌نمای (پارادکس) را از جمله عناصر سبک ساز شعر شاعر می‌دانیم.

ادعای هم‌مانندی میان دو یا چند اشیاء که به آن در علم بیان تشبیه می‌گویند، در کلام شاعران نقش بارزی دارد، از جمله در شعر شاعر ما نیز. از این‌جاست که تشبیه را در بررسی سبکی مهم دانسته‌اند. باری، صورت‌های به هم مانند در شعر استاد لائق شیرعلی به طور زیاد و روشن به چشم می‌خورند و شاعر در استعمال آن‌ها حد اعتدال را به خوبی رعایه کرده است. اکثر تشبیهات موجود، حاصل نگاه و دید شاعرانه‌ی خود شاعرند. به نمونه‌های ذیل توجه شود :

در رخت، آژنگ‌ها چون سطر شعر زندگی

آفرین خوانند بر عزم و به ایمان تو، مادر. ۳۳

و:

جویه‌ها مانند چین روی دهقان،

پخته [پنبه]ی بشکفته، رنگ موی دهقان

پخته خندان، دامن صحرا شکفان

چون دل پاک و حقیقت‌جوی دهقان. ۳۴

چنانکه به مشاهده می‌رسد، در این نمونه‌ها وجه شبیه جدید بوده، منشا از حیات واقعی خود شاعر دارند و به این مانند، مثال‌ها خیلی زیادند. در این زمینه، مهمترین شاخصه‌ی سبکی در شعر شاعر ما آن است که وجوه شبیه در تشبیهات شعر او تکرار نشونده و حاصل نگاه خاص بوده، ویژگی‌های مشترک میان مشبه و مشبه‌به از حیات واقعی شناخته شده‌اند، یعنی دور از واقعیت یا خود تخیل صرف نیستند.

تجنیس یکی دیگر از صناعات ادبی ایست که در شعر استاد لائق شیرعلی، از جمله‌ی عناصر سبک ساز است. توجه شاعر به جناس و انواع آن، به سرچشمه‌های ذاتی هنر شاعری بر می‌خورد، چون ارزش جناس، قبل از همه، به موسیقی و آهنگی بستگی دارد که در شعر به وجود می‌آورد و نتیجه‌ی آن خلق زیبایی است.

انواع جناس زیادند ولی شناخت آن‌ها در خط سرلیک تاجیکی، و بگذریم از این، کاربرد آن‌ها در شعر به مراتب کار سنگین است. با وجود این به مثابه‌ی عنصر سبک ساز شناخته شدن جناس و انواع آن، در شعر استاد لائق شیرعلی، گواهی است، بر هنر شاعری گوینده و ورود او به اصالت هنر شاعری شاعران صاحب سبک ادبیات.

از انواع تجنیس، تجنیس تام، تجنیس مطرف، و تجنیس زاید شناخته شده‌اند که ذیلاً به طریق نمونه ذکر می‌گردد:

الف) تجنیس تام:

خواهم از تصویر دل دیوان بسازم، وا دریغ، زندگی هر دم مرا در چنگ دیوان

می‌کند. ۳۵

ب) تجنیس مطرف:

من از دست زمان هرگز نمی‌رم،

که از دست زنان می‌میرم آخر. ۳۶

و:

من رحم تو را خوردم و تو لحم مرا. ۳۷

ج) تجنیس زاید:

...ای دریغ، انگشت‌ها چنگک شده، زندگی اما رها گشته ز چنگ... ۳۸

بگذریم از صناعات ادبی مذکور، تلمیح (یوسف آزادی را اخوان به چاه انداختند، - پیر دورانا، کنون از بوی پیراهن چه سود؟ ۳۹؛ پیر کنعانا، چشم تو روشن، - یوسف دل فگار ما آمد. ۴۰) و متناقض‌نمای (سوی بی‌سوی روانیم، ای دریغ از سوی ما... ۴۱؛ من تهی بودم ز لذت‌های درد... ۴۲؛ کردی وارون مکتب تاریخ را، - مکتبت شد مکتب بی مکتبی. - رخنه چون بر مذهب مردم زدی، - سوی بی سویت شد بی مذهبی. ۴۳) نیز در رسایی سبک فردی شاعر نقش بارز دارند.

در مورد کاربرد دیگر از اجزای بیان و بدیع لفظی و معنوی، باید گفت که شاعر تنها از صناعات ادبی مستعمل سود جسته است، استفاده متکلفانه و بیان صنعت‌گرایانه خاص طرز بیان او نمی‌باشند.

۳- از لحاظ انواع شعر، انواع مسلط در لابه‌لای اشعار استاد لائق شیرعلی، از قوالب اصلی یا انواع سنتی غزل (۴۰۶)، رباعی (۴۰۳) و دو بیتی (۷۷۰) می‌باشند. مفرد یا خود فرد بیت نیز از جمله‌ی انواع رایج است، شاعر در مجموع ۵۱۲ فرد بیت گفته است. قصیده (۳)، ترجیع بند (۱)، ترکیب بند (۲)، مثلث (۶)، قطعه (۲) و مصراع (۱) نیز، اگرچه بندرت به چشم می‌خورند، ولی نکته مهم این است که اغلب از انواع شعر مزبور به طلبات نوع کلاسیک، جواب‌گو نیستند. سبب این حالت در آغاز این مختصر تاکید شده بود.

در ادبیات سده‌ی بیست تاجیک نیز - به مثل دیگر ادوار تحول ادبیات فارس تاجیکی - شاعران زیادی در قالب غزل طبع آزمایی کرده اند، ولی تنها شاعری که به معنی اصطلاحی واژه، دیوان غزل مرتب کرده است، استاد لائق شیرعلی می‌باشد. به حساب ما، از او تا به ما و آیندگان ۴۰۶ غزل به میراث مانده است که همه به طور کامل به طلبات ژانری غزل جوابگو می‌باشند. یکی از ویژگی‌های سبکی شاعر در این زمینه از آن عبارت است که وی به آوردن بیت تخلص توجه زیادی نداشته است. برای مثال، در ۱۰۴ غزل مجموعه "خانه‌ی چشم" که برای

اولین بار در همین مجموعه دیوان غزل شاعر مرتب گردیده است، همگی در ۵ غزل بیت تخلص آمده است و بس. در یک مورد از این موارد پنجگانه اسم شاعر از طریق ایهام ذکر گردیده است.

انواع مسلط از قوالب شعر نو یا خود انواع جدید چهار پاره (۴۱۵) و شکل نیمایی یا شعر آزاد (۲۰۵) می‌باشد. شکل شاملویی یا شعر سفید نیز به چشم می‌خورد، منتها در قیاس به دیگر انواع شعری خیلی کم است، همگی ۱۵ شعر، اعم از کوچک و بزرگ که به نظر ما از راه طبع‌آزمایی گفته شده‌اند. خود شاعر به این نوع شعری توجه نداشته است.

از لحاظ قافیه و ردیف، در شعر استاد لائق شیرعلی، قافیه و ردیف‌های ساده و معمولی استفاده شده‌اند، ردیف‌های نسبتاً دراز که از سه یا چهار جزو عبارتند، اگرچه به چشم می‌خورند، از جهت روانی ساده می‌باشند. ولی در انتخاب و کاربست قافیه‌ها شاعر بعضاً با توجه به "امکانات" خط سرلیک تاجیکی کارهایی را روا دیده است که از دید قافیه‌شناسی درست نیستند. مثلاً، در شعری واژه‌های "هم‌نشینان"، "دوست‌داران"، "مادرجان"، "خود گدازان"، "هم‌زمینان"، "کامگاران" و "هم‌زمانان" همچون کلمات قافیه آمده‌اند که از این میان به جز از "دوست‌داران"، "کامگاران" و "مادرجان" دیگرها قافیه بوده نمی‌توانند. یا خود، در یک شعر دیگر واژه‌های "احوال" و "دنیای" به صفت قافیه آمده‌اند که صحیح

نیستند و غیره. به این جهت کار خویش، خود شاعر نیز ایراد داشته است.

۳. **مختصات فکری.** از این نوع، نخست باید گفت که در شکل‌گیری افکار شاعر علاقه و آشنایی و انس او با ادبیات کلاسیک فارسی تاجیکی، روندهای مختلف ایجابی و پرورش فکری و عقیدتی، در حوزه‌های ادبی ادبیات هم‌زبان، در ایران و افغانستان و دیگر شاعران فارسی‌گوی، در سایر ممالک شرق و غرب که در زمان زندگی شاعر به تألیف مشغول بودند، ادبیات کلاسیک و معاصر روس و توسط آن ادبیات خارجه موثر بوده است. در انسجام به همین اصل و تسلط لازم بر روندهای ایجابی زمان استاد لائق شیرعلی توانسته است، با توجه به شیوه‌ی جدید و دید خاص، تفکر زمانی را در شعر رواج بخشد.

پیام شعرها معمولاً تصویر حالات مختلفند که حاصل عواطف شخصی گوینده‌اند. مضامین ترغیب و تشویق، روحیه‌ی زمانی داشته، نیز به چشم می‌خورند، متنها در قیاس با شاعران دیگر خیلی کم افاده یافته‌اند.

در غزل مضامین گوناگون مطرح باشد هم، موضوع عشق جایگاه نمایان دارد و آن هم عشق مجازی، یعنی عشق نوع انسان به انسان.

دیگر از موضوعات قابل توجه و از جمله‌ی عناصر سبک ساز، در خلال موضوعات اشعار شاعر، موضوع انسان - با جمله شیب و فراز زندگی آن - می‌باشد که در کل انواع شعری مطرح و بخصوص در رباعی و دوبیتی مرسوم است.

مختصات فکر آخرین دفتر اشعار شاعر که در زمان در قید حیات بودنش به چاپ رسیده است و با عنوان "فریاد بی فریادرس" مشهور است، به تحلیل علی حده و دامنه دار نیاز دارد؛ اما به یک سخن باید گفت که درون مایه و پیام اصلی شعرهای این مجموعه، در قیاس با اشعار قبلی شاعر، به کلی تغییر خورده است: در خلال اشعار در این مجموعه به هم آمده، پیداست که در آنها از عواطف شادی و نشاط تقریباً که درکی نیست، در اغلب موارد، فریاد قلب شاعر با عاطفه‌ی حزن و اندوه به هم آمده و ارائه شده است که واقعاً فریادرسی پیدا نکرده است. از لابه‌لای آن همه اشعار بر می‌آید که گوینده در جهان شاعری و اندیشه‌ی خویش مرد تنهایی بوده است، با جهان خویش که پهنای آن درک نشونده می‌باشد...

روحیه‌ی صلح‌خواهی، امانی و آسایش، رفاه سیاسی و اقتصادی، ترغیب اصل انسانی... که لازمه‌ی روزگاران، بخصوص روزگار تولید همان شعرها بوده‌اند، نیز در خلال شعرهای مجموعه‌ی مذکور آشکار است.

همین طور، در این مختصر به قدر توان مهمترین مختصات سبکی اشعار یکی از بزرگ‌ترین شاعران قرن بیست و یکم و ادبیات فارسی‌زبانان جهان، استاد لائق شیرعلی بررسی و بازگو گردیدند. بررسی ریزکاری‌های سبکی، امثال صدای خاص شاعرانه و جزئی‌ترین عناصر سبک ساز در خلال یکایک شعر شاعر مجال دیگر را می‌خواهد؛ یعنی، دامنه‌ی بحث در این موضوع هم اکنون باز شده و ادامه‌اش در پیش است.

پی نوشت:

۱. به طور مفصل نگ. به: دکتر سیروس شمیسا، سبک‌شناسی شعر، تهران، ۱۳۷۸، ص. ۹.
۲. همان جا، همان صفحه.
۳. لائق، خاک وطن، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۵، ص. ۳۲. از این به بعد: خاک وطن.
۴. لائق، خانه چشم، دوشنبه: عرفان، ۱۹۸۲، ص. ۲۵۰. از این به بعد: خانه چشم.
۵. لائق، آفتاب باران، دوشنبه: ادیب، ۱۹۸۸، ص. ۹۲. از این به بعد: آفتاب باران.
۶. لائق، فریاد بی فریادرس، دوشنبه: ادیب، ۱۹۹۷، ص. ۴۵. از این به بعد: فریاد بی فریادرس.
۷. خانه چشم، ص. ۱۸۷.
۸. فریاد بی فریادرس، ص. ۱۵.
۹. لائق، خانه دل، دوشنبه: عرفان، ۱۹۸۶، ص. ۱۰۴. از این به بعد: خانه دل.
۱۰. لائق، جام سرشار (یا گلچینی از دیوان غزل)، دوشنبه، ۱۹۹۱، ص. ۱۹.
۱۱. همان جای، ص. ۲۸.
۱۲. فریاد بی فریادرس، ص. ۴۶.
۱۳. همان جا، ص. ۸۳.
۱۴. همان جا، ص. ۱۰۹.
۱۵. همان جا، ص. ۱۲۵.
۱۶. لائق، ساحل ها، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۲، ص. ۸. از این به بعد: ساحل ها.

۱۷. همان جا، ص. ۲۰.
۱۸. خانه چشم، ص. ۱۹۱.
۱۹. خانه دل، ص. ۱۷۳.
۲۰. فریاد بی فریادرس، ص. ۱۱۱.
۲۱. همان جا، ص. ۲۰۹.
۲۲. لائق، مرد راه، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۹، ص. ۱۵.
۲۳. فریاد بی فریادرس، ص. ۱۵۱.
۲۴. نگ. به: خانه چشم، پاورقی ص. ۱۹۱.
۲۵. خانه دل، ص. ۱۷.
۲۶. فریاد بی فریادرس، ص. ۹۳.
۲۷. نگ. به: دست دعای مادر، دوشنبه: ادیب، ۱۹۹۱، ص. ۵۴ و شرح پاورقی همان صفحه. از این به بعد: دست دعای مادر.
۲۸. نگ. به: فریاد بی فریادرس، ص. ۴۵ و شرح پاورقی همان صفحه.
۲۹. لائق، نوش باد، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۱، ص. ۴۰.
۳۰. ساحل ها، ص. ۷۳.
۳۱. خانه دل، ص. ۴۷.
۳۲. لائق، الهام، دوشنبه: عرفان، ۱۹۶۸، ص. ۸. از این به بعد: الهام.
۳۳. الهام، ص. ۱۳.
۳۴. همان جا، ص. ۲۲.
۳۵. آفتاب باران، ص. ۱۵۴.
۳۶. همان جا، ص. ۱۵۶.

۳۷. فریاد بی فریادرس، ص. ۱۶۲.
۳۸. دست دعای مادر، ص. ۳۹.
۳۹. فریاد بی فریادرس، ص. ۹۲.
۴۰. همان جا، ص. ۱۵۱.
۴۱. همان جا، ص. ۱۱۳.
۴۲. خاک وطن، صخ. ۹۶.
۴۳. لائق شیرعلی، کلیات، عبارت از دو مجلد، جلد ۱ (کتاب یکم)، خجند، ۲۰۰۱، ص. ۴۵۴.
۴۴. شماره‌های داخل قوسین که بعد از انواع شعری می آیند، بسامد همان نوع شعری را در لا به لای اشعار شاعر نشان می دهند.
۴۵. نگ. به: خانه چشم، ص. ۲۰۷.

منابع و مأخذ:

۱. دکتر سیروس شمیسا، سبک شناسی شعر، تهران، ۱۳۷۸.
۲. لائق، خاک وطن، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۵.
۳. لائق، خانه چشم، دوشنبه: عرفان، ۱۹۸۲.
۴. لائق، آفتاب باران، دوشنبه: ادیب، ۱۹۸۸.
۵. لائق، فریاد بی فریادرس، دوشنبه: ادیب، ۱۹۹۷.
۶. لائق، خانه دل، دوشنبه: عرفان، ۱۹۸۶.
۷. لائق، جام سرشار (یا گلچینی از دیوان غزل)، دوشنبه، ۱۹۹۱.

۸. لائق، ساحل ها، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۲.
۹. لائق، مرد راه، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۹.
۱۰. لائق، نوش باد، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۱.
۱۱. لائق. دست دعای مادر، دوشنبه: ادیب، ۱۹۹۱.
۱۲. لائق، الهام، دوشنبه: عرفان، ۱۹۶۸.
۱۳. لائق شیرعلی، کلیات، عبارت از دو مجلد، جلو ۱ (کتاب یکم)، خجند، ۲۰۰۱.